



کلید موفقیت در فضای کسب و کار جهانی کسب‌وکار در ایران؛ آرزوها و دشواری‌ها

● عزیزاله عساری
قسمت دوم

۱۴۰۴ کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل. با توجه به این الزام ترسیم شده، ایران باید به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) برسد و با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، به رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمدسزانه و اشتغال کامل دست یابد تا دیدگاه عالی و کلان مسئولان کشور را به همگان بنمایاند و قاعدتاً بر اساس این چشم‌انداز باید در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالانه شاخص‌های کمی کلان آنها از قبیل، نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی، مدنظر قرار گیرد تا اهداف و الزامات سند چشم‌انداز به صورت کامل مراعات شود.

شدن سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، مشروط به اجرای درست این قانون به گونه‌ای است که در فرآیند بهبود فضای کسب‌وکار، شاخص‌های اقتصادی هم رشد مطلوب خود را تجربه کنند. در نظر گرفتن شاخص‌های کلانی، چون شفافیت اقتصادی، کاهش ریسک سیاسی، تقویت امنیت قضایی و به تبع آن اقتصادی، ثبات قوانین و مقررات اقتصادی، پولی و... همه این الزامات منجر به بازتعریف سیاست‌های کلان اقتصادی قلمرو فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی خواهد شد تا تضادها و تناقض‌ها، موانع و دشواری‌ها کاهش یابد و مشارکت توأم با رقابت و امید در رگ‌های حیاتی بخش‌های مختلف اقتصادی جریان یابد. در ادامه باید دید آنچه تا به حال اجرا شده است، همان آمال و آرزوهای رهبران و تصمیم‌سازان کشور بوده یا فاصله زیادی بین آن آمال و خواسته‌ها با روند اجرایی کنونی وجود دارد. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ای برای ایران ۱۴۰۴ ترسیم شده است که به دلیل اهمیت ویژه آن به تأیید مقام معظم رهبری نیز رسیده است. بر اساس این سند، جمهوری اسلامی ایران در افق

در بخش نخست از نوشتار حاضر، آمال رهبران و تصمیم‌سازان کشورها را برای دستیابی به یک رشد اقتصادی مناسب که منحنی صعودی آن نشانگر بهبود شاخص‌های کلان اقتصادی آن کشورهاست، یادآور شدیم و همچنین با تأکید بر لزوم تعامل با نهادهای تحقیقاتی بین‌المللی معتبر برای تأمل در تغییرات شاخص‌ها از نگاه بیرونی، مؤلفه‌های قابل طرح در این نهادها را با شرح و توضیح ۱۰ شاخص به طور مختصر عنوان کردیم.

در این بخش به این نکته اشاره خواهیم کرد که بهبود و ارتقای شاخص‌های اقتصادی کشور عزیزمان، ایران، بخصوص در فضای کسب‌وکار به شاخص‌های مورد ارزیابی بانک جهانی که یکی از نهادهای معتبر بین‌المللی است، محدود نمی‌شود. اما همین عدم محدودیت هم در قالبی محدود تعریف خواهد شد که از چارچوب فضای کسب‌وکار جهانی خارج نشود. در نتیجه دست یافتن به رشد اقتصادی با حداقل ۸ درصد، آن هم به صورت پرشتاب و مستمر قطعاً نیازمند ایجاد فضای مناسب کسب‌وکار و لحاظ کردن همان شاخص‌های جهانی در پرتو عملیاتی

با این وصف، برای رسیدن به اهداف بلند چشم‌انداز، جمهوری اسلامی ایران باید در عرصه اقتصادی رقابت تنگاتنگ و فشرده‌ای با کشورهای منطقه و همسایه داشته باشد تا رشد مستمر و پرشتاب کشور در سند مذکور، تحقق یابد و این میسر نیست، مگر اینکه در راستای بهبود فضای کسب‌وکار کوشش بسیاری شود تا روند بهبود شاخص‌های کلان رشد اقتصادی را به عنوان یک نماد ترسیم نماید. دستیابی به اهداف کمی، نظیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری مطلوب و افزایش تولید ناخالص داخلی، افزایش نرخ اشتغال، کاهش نرخ تورم و سایر متغیرهای اقتصادی بستری برای کارآفرینان و فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران، اعم از داخلی و خارجی، فراهم خواهد کرد که در آن با اطمینان و امنیت توان بالقوه خود را به حرکت اجرایی توسعه تبدیل کنند. انتقال مالکیت بنگاه‌های اقتصادی به بخش خصوصی در این بستر قطعاً به بهبود شرایط اقتصادی کشور می‌انجامد، مشروط بر اینکه همراه با آزادی عمل بخش خصوصی در انجام فعالیت‌های اقتصادی که از ملزومات سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی است، فضای مناسب نیز برای فعالیت این بخش فراهم باشد.

ارزیابی بانک مرکزی از دشواری‌های پیش رو

بانک مرکزی هم در گزارشی درباره فضای کسب‌وکار در ایران با اشاره به نرخ بالای بیکاری، بویژه در میان اقشار جوان، تحصیلکرده‌ها و زنان، آن‌هم در مناطق شهری کشور، از یک سو و تشدید فاصله استان‌ها از حیث نرخ بیکاری در سال‌های اخیر از سوی دیگر به این نتیجه رسیده است که یکی از چالش‌های بازار کار، فضای بسته، بدون تغییر و آزادسازی نشده قوانین و مقررات ناظر بر این بازار است که

برای رسیدن به اهداف بلند چشم‌انداز، جمهوری اسلامی ایران باید در عرصه اقتصادی رقابت تنگاتنگ و فشرده‌ای با کشورهای منطقه و همسایه داشته باشد تا رشد مستمر و پرشتاب کشور در سند مذکور، تحقق یابد و این میسر نیست، مگر اینکه در راستای بهبود فضای کسب‌وکار کوشش بسیاری شود

تقاضای بازار را غیرمنعطف و با مشکل مواجه کرده است. همین موضوع سبب شده است تا کشور در عرصه رقابت جهانی همه ساله جایگاه قبلی خود را در فضای کسب‌وکار از دست بدهد و با تنزل رتبه مواجه باشد. بر اساس گزارش کارشناسی بانک مرکزی، می‌توان با رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری (از طریق ساماندهی فضای کسب‌وکار در کشور)، کاهش ریسک سرمایه‌گذاری (از طریق فراهم کردن امنیت اقتصادی و سیاسی) و ایجاد هماهنگی بین نظام آموزشی و نیازهای بازار کار وضعیت بازار کار و اشتغال را ساماندهی کرد و بهبود بخشید. با وجود این، مقررات بازار کار در ایران بوضوح بر عملکرد بخش خصوصی (که حدود ۸۰ درصد از کل نیروی کار در کشور را در استخدام دارد) تأثیرگذار است، به نحوی که نرخ بیکاری ناشی

از اختلالات موجود در قوانین و مقررات بازار کار و سایر بازارها غیرقابل انکار است. بی تردید انجام اصلاحات در مقررات مزبور شرط لازم برای بهبود وضعیت اشتغال در کشور خواهد بود. بر این اساس، مهم‌ترین اقدام برای کمک به ساختار بازار کار اصلاح فضای کسب‌وکار با الهام از تجربه کشورهای موفق و استفاده از کمک‌های فنی بانک جهانی جهت شناسایی نقاط بحران‌زا و موانع بروز شرایط مطمئن برای بقا و امکان فعالیت بخش‌های تولیدی در جامعه است.

بانک مرکزی با تأکید بر ضرورت ساده‌سازی و پالایش قوانین و مقررات در جهت بهبود فضای کسب‌وکار با رویکرد کاهش مداخلات غیرموجه حاکمیتی و تسهیل مشارکت بخش خصوصی اشاره صریح دارد به اینکه تا زمانی که حاکمیت (بخصوص قوای مجریه و مقننه) ارزیابی درستی از چالش‌های فضای کسب‌وکار و موانع قانونی ایجاد و توسعه کسب‌وکار نداشته باشند، ممکن است وضع قوانین و مقررات بیشتر، مشکل را بدتر کند. از این رو، توصیه شده برای حضور و توانمندسازی بخش خصوصی باید فضا برای فعالیت از حیث حقوقی و اقتصادی فراهم شود که این به رسمیت شناخته شدن در سه نقش قابل تبیین است: نخست اینکه بخش خصوصی باید در فرآیندهای تصمیم‌ساز حضور داشته باشد. به عبارت دیگر تصمیمی در اقتصاد گرفته نشود، مگر آنکه نظر فعالان بخش خصوصی اخذ و استماع شود؛ دوم آنکه برخی وظایف مدنی که تاکنون دستگاه‌های دولتی آنها را بر عهده داشته‌اند، به جایگاه اصلی خود بازگردد و سوم به رسمیت شناختن بخش خصوصی در یک تعامل منظم و مستمر بین دولت و بخش خصوصی و تسهیل فضای کسب‌وکار است. ■ ادامه دارد...

بهبود فضای کسب و کار در برنامه پنجم

ب) در مورد آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی که نیازمند اخذ مجوز از دستگاه‌های متعدد هستند، دستگاه اصلی موضوع فعالیت، وظیفه مدیریت یکپارچه، هماهنگی و اداره امور اخذ و تکمیل مجوز را به عهده خواهد داشت، به گونه‌ای که ضمن رعایت اصل همزمانی صدور مجوزها، سقف زمانی مورد نظر برای صدور مجوز از زمان پیش‌بینی شده در قانون نحوه اجرای اصل ۴۴ تجاوز نکند.

ج) شرکت‌های دولتی که با تصویب هیئت وزیران مشمول واگذاری به بخش غیر دولتی می‌شوند، صرفاً طی مدت تعیین شده در مصوبه هیئت وزیران برای واگذاری مشمول مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی، از جمله مقررات مالی، معاملاتی، محاسباتی، استخدامی، تشکیلاتی، مالیاتی و نظارت‌های خاص، نظیر نظارت دیوان محاسبات و بازرسی کل کشور، نخواهند بود و در چارچوب قانون تجارت و قانون کار و قوانین ناظر بر بخش خصوصی اداره می‌شوند. خروج شرکت از فهرست واگذاری تنها با تصویب هیئت وزیران ممکن است و در این صورت، اجرای مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی از تاریخ تصویب خروج شرکت الزامی خواهد بود. ■

دولت در لایحه برنامه پنجم توسعه که هم‌اکنون در کمیسیون تلفیق برنامه مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است، برای بهبود فضای کسب‌وکار پیشنهاد زیر را مطرح کرده است:

الف) به منظور بهبود فضای کسب‌وکار در کشور، به دولت اجازه داده می‌شود فهرست مقررات و سیاست‌های تشویقی لازم، از جمله اهدای جوایز یا اعطای تسهیلات یا کمک‌های مالی برای استفاده کالاها و خدمات از نام و نشان تجاری در بازار خرده‌فروشی و عمده‌فروشی را به گونه‌ای تدوین و اجرا کند که تا پایان برنامه پنجم، تولید، عرضه، صدور و ورود محصولاتی که امکان استفاده از نام و نشان تجاری دارند، فقط با نام و نشان تجاری ارائه شود. تمامی فعالان اقتصادی، اعم از دولتی و غیردولتی، ملزم به ارائه اطلاعات شفاف و به‌روز از طریق سامانه اطلاع‌رسانی دولت هستند. استنکاف از ارائه اطلاعات موضوع این تبصره بعد از مطالبه دستگاه مربوط، مشمول جریمه‌های حداکثر معادل مبلغ کالا یا خدمت موضوع این ماده است. مرجع رسیدگی به پرونده‌های این تبصره سازمان تعزیرات حکومتی است.



نظام سنجش اعتبار در ایران

• سروش صاحب‌فصول

بودیم. هدف گردآوری و پردازش معنی‌دار تمام سوابق اعتباری هر متقاضی تسهیلات بود تا با ارزیابی سابقه او در شیوه بازپرداخت تسهیلات، پیش‌بینی نزدیک به واقعی از رفتار احتمالی او در قبال بازپرداخت تسهیلاتی که در حال حاضر متقاضی دریافت آن است، برای بانک میسر شود. حدود ۶ ماه از ۲ سال ۸۵ تا ۸۷ صرف مفهوم‌سازی برای این سامانه شد. در این مدت سعی کردیم تعیین کنیم چه نوع اطلاعاتی برای سنجش رفتار مشتری تسهیلات باید به سامانه وارد شود و این سامانه چه نوع اطلاعاتی را باید و می‌تواند به بانک پرداخت‌کننده تسهیلات فراهم کند. در کنار این، لازم بود بسترهای ارتباطی، امنیتی و از همه مهم‌تر قانونی و حقوقی برای دریافت و تسهیم این اطلاعات نیز تدوین و آماده شود. نخست مجوزها و بسترهای قانونی لازم برای ایجاد و برقراری این سامانه که باید از سوی دولت صادر و فراهم می‌شد.

نظام سنجش اعتبار چیست؟

بنا بر آنچه کارشناسان این حوزه می‌گویند، سنجش اعتبار و گزارش‌گیری اعتباری از پشتوانه تئوریک دقیقی برخوردار است. تئوری اطلاعات نامتقارن که در ادبیات علم اقتصاد ارائه شده به عنوان مهم‌ترین مبنای علمی سنجش اعتبار مطرح است. اطلاعات نامتقارن در فضایی شکل می‌گیرد که یک فرد اطلاعاتی را در ارتباط با رویدادهای اقتصادی در اختیار داشته باشد که افراد دیگر فاقد آن باشند. این نوع اطلاعات در تمامی بازارها

اسلامی به تصویب رسید و بر مبنای آن دولت مکلف شد ظرف مدت یک سال از تاریخ تصویب این قانون با ایجاد و به‌کارگیری نهادهای مالی جدید از قبیل «بانک جامع اطلاعات»، «رتبه‌بندی و اعتبارسنجی مشتریان»، «گروه‌های مشاور مالی و سرمایه‌گذاری غیردولتی»، «ساماندهی مطالبات معوق» و «مؤسسات تضمین اعتبار» زمینه تسهیل و تسریع اعطای تسهیلات بانکی را فراهم کند. پس از این الزام قانونی، آیین‌نامه نظام سنجش اعتبار تدوین شد و ۲۶ اسفند ماه سال ۱۳۸۶ به تصویب هیئت وزیران رسید. به این ترتیب تمامی بانک‌های کشور مکلف شدند از شهریور ماه سال ۱۳۸۸ مشتریان خود را پیش از اعطای تسهیلات، اعتبارسنجی کنند و میزان اعتبار آنان را مشخص کنند. فاصله اندک میان تصویب قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و تدوین و تصویب آیین‌نامه اعتبارسنجی گویای این بود که ظاهراً بسترهای مطالعاتی و اسناد تحقیقاتی پشتیبان لازم برای این نظام از قبل انجام شده است. محمد جلیلی، مدیرعامل مؤسسه رتبه‌بندی اعتباری ایران در این باره می‌گوید: «این تلاش‌ها از سال ۱۳۸۵ آغاز شده است. آنچه انجام شد، انبوهی از برنامه‌ریزی‌ها، مطالعات، بررسی‌ها، مذاکرات و نهایتاً ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تدوین یک بانک اطلاعاتی از پرونده‌های اعتباری منحصر به فرد برای هر مشتری اخذ تسهیلات از بانک‌هاست. از سال ۱۳۸۵ به دنبال ایجاد یک سامانه یا بانک اطلاعاتی برای ثبت و پردازش پرونده‌های اعتباری مشتریان تسهیلات بانکی

سنجش و رتبه‌بندی اعتباری افراد حقیقی و حقوقی اگر چه در اقتصاد جهانی سابقه‌ای طولانی دارد و اکنون به عنوان جزء جدانشدنی روابط اقتصادی به حساب می‌آید، در نظام اقتصادی کشور ما بحثی نوپا و جدید است که هنوز چندان جایی برای خود باز نکرده است. اما مهم‌تر از این واقعیت که نظام اعتبارسنجی و رتبه‌بندی افراد از نظر اعتبار در اقتصاد ایران بتازگی مورد توجه قرار گرفته و نسبت به استانداردهای جهانی بسیار عقب است، بستر پیدایش این موضوع در فضای اقتصادی کشور است چرا که زمینه‌های این موضوعیت یافتن پیامدهای گسترده‌ای در تعیین نوع برخورد با این مقوله و میزان کارایی آن در روابط اقتصادی فعالان این حوزه داشته است. مرور روندی که به باب شدن بحث اعتبارسنجی در ایران انجامید و تلاش‌هایی که برای عینیت یافتن آن صورت گرفت، به‌خوبی روشن می‌سازد که این نظام در پی افزایش شدید حجم مطالبات معوق بانکی و راه یافتن این واقعیت به سپهر رسانه‌ای کشور مورد توجه قانونگذاران و مجریان آن قرار گرفته است. در باب این مسئله، گذشته از اینکه نیاز به ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی دارد، مهم اثراتی است که این نوع توجه بر نگرش و اجرای نظام اعتبارسنجی در اقتصاد کشورمان برجا می‌گذارد. این اثرات را می‌توان در دو گزاره خلاصه کرد: محدودیت به کارکرد حداقلی و اجرای متناسب با رفع مشکل.

تولد قانونی

موضوع رتبه‌بندی و اعتبارسنجی مشتریان برای نخستین بار در یکی از مواد قانون «تسهیل اعطای تسهیلات بانکی» به صورت رسمی مطرح شد. این لایحه در ۲۵ تیر ماه سال ۱۳۸۶ در مجلس شورای